



فلسفه عقاید و احکام یعنی چه / چرا نماز مسافر شکسته است

در این یادداشت، ضمن تعریف فلسفه عقاید و احکام، علت برخی احکام نظیر «شکسته خواندن نماز در سفر» و «عده برای زن مطلقه» بررسی شده است.

در این یادداشت، ضمن تعریف فلسفه عقاید و احکام، علت برخی احکام نظیر «شکسته خواندن نماز در سفر» و «عده برای زن مطلقه» بررسی شده است.

به گزارش خبرنگار آیین و اندیشه خبرگزاری فارس، آگاهی از فلسفه برخی عقاید و احکام و آثار حیات بخش آنها، موجب می‌شود آتش اشتیاق به انجام کار خوب و ترک کار زشت، در دل‌ها شعله‌ورتر شود و انسان با عزمی راسختر به دنبال انجام برنامه‌ها برود.

به بیان دیگر، دانستن فلسفه عقاید و احکام، شوق و علاقه مردم را برای انجام وظائف دینی افزون می‌کند و تحمل ناراحتی و سختی را برای انجام پاره‌ای از وظایف دشوار و سنگین آسان می‌سازد.

به همین جهت، گروه آیین و اندیشه خبرگزاری فارس، به صورت سلسه‌وار، برخی از فلسفه‌های عقاید و احکام دینی را تقدیم مخاطبان گرامی می‌کند که در اولین یادداشت، خود موضوع «فلسفه عقاید و احکام» تبیین می‌شود.

تعریف فلسفه عقاید و احکام

مراد از «فلسفه عقاید و اعمال» همان آثار، حکمت‌ها، مصالح و مفاسدی است که عقاید و احکام بر محور آن دور می‌زنند.

به عبارتی، مراد ما از علل و فلسفه در اینجا همان حکمت‌هاست و به تعبیر دیگر، مصالح و مفاسدی است که در دستورات شارع مقدس اسلام به عنوان جلب منفعت و دفع ضرر معرفی شده است. (دائرة المعارف فقه مقارن، ص 388)

تفاوت فلسفه حکم با علت و دلیل حکم

نکته مهمی که باید به آن توجه کرد این است که دلیل و علت حکم را نباید با حکمت و فلسفه آن خلط کرد.

علت، دلیل و حکمت شکسته خواندن نماز در سفر

علت، دلیل و حکمت یک مساله، غالباً با هم متفاوت است. به این مثال توجه کنید: نمازگزار اگر به مسافرت برود باید نمازش را شکسته بخواند.

1. علت قصر (شکسته بودن) نماز مسافر، خود سفر است (با شرایط مخصوص که در فقه بیان شده است).

یعنی سفر موجب می‌شود نماز انسان، شکسته شود.

2. دلیل قصر نماز در سفر، روایات است.

یعنی اگر کسی بپرسد به چه دلیل باید در سفر - با شرایط مخصوص - نماز، شکسته شود؟ در پاسخ می‌گوییم دلیلش، روایات است.

3. حکمت و مصلحت آن، مثلاً رفع مشقت و زحمت سفر است.

یعنی چرا شارع مقدس، این حکم را وضع کرده؟ چه فوائد و ثمرات و مصالحی دارد؟ پاسخش فلسفه حکم و حکمت آن است.

به همین جهت علت، دلیل و حکمت، جای یکدیگر را نمی‌گیرند و نباید درباره اینها دچار خلط شویم.

از این رو فقهای بزرگوار گفته‌اند:

اگر سفر برای بعضی، هیچ زحمت و مشقتی نداشته باشد و حتی با وسائل مخصوص امروزی راحت‌تر از منزل و وطن شخص باشد، باز نماز، قصر(شکسته) است چرا که علت و دلیل آن به قوت خود باقی است و حکم دائر مدار علت و دلیل خود است. حکمت‌ها و مصالح دنیوی و اخروی یک حکم، بسیار زیاد است و شاید ما تنها به بخشی از آن آگاهی داریم و لذا نمی‌توانیم از دیگر مصالح و حکمت‌های آن حکم، دست برداریم.

از این رو، اگر کسی مسافر نباشد و در وطن خویش به خاطر خستگی ناشی از کار، در زحمت باشد، نمی‌تواند نماز خود را قصر بخواند. (چون حکمت، جای دلیل و علت را نمی‌گیرد)

و شاید خلط کردن علت و دلیل حکم با فلسفه و حکمت آن و عدم تمییز و تشخیص آنها سبب شده که احکام الهی دست خوش تحریف و تغییر قرار گیرد.

علت، دلیل و حکمت عده برای زن مطلقه

یکی از حکمت‌های عده بعد از طلاق، مشخص شدن بارداری زن مطلقه است. با توجه به مطالب بالا روشن شد که حکمت عده، غیر از علت و دلیل آن است لذا اگر زنی مطمئن باشد که باردار نیست، باز هم باید بعد از طلاق، عده نگه دارد چرا که علت عده، طلاق است و دلیل عده، روایات است و حکمت دنیوی و اخروی عده، بسیار است که یکی از آنها مشخص شدن بارداری است.

سه استفتاء از آیت الله مکارم درباره عده زن مطلقه

با توجه به توضیح بالا به سه استفتاء از حضرت آیت الله مکارم شیرازی توجه کنید:

سؤال 841- فلسفه عده زنان مطلقه چیست؟ آیا زنان نازا و یا کسانی که رحم خود را برداشته‌اند از این قانون مستثنی هستند؟

جواب: مسأله عده زنان، فلسفه‌های متعددی دارد، و منحصر به مسأله انعقاد فرزند نیست و لذا در تمام مواردی که شرع گفته است، زن باید عده نگهدارد؛ هر چند عقیم و نازا باشد، یا رحم خود را برداشته باشد، یا فرضاً چند سال است از شوهر خود جدا زندگی می‌کند، در تمام این صورتها باید عده نگهدارد.

سؤال 842- آیا زن، در صورت یقین به عدم انعقاد نطفه، می‌تواند قبل از سپری شدن ایام عادت اقدام به ازدواج کند؟

جواب: عده در واقع حریم زوجیت است، و فلسفه و حکمت آن منحصر به انعقاد نطفه نیست؛ به همین دلیل اگر مرد سالها از زن خود جدا زندگی کند، یا در مسافرت باشد، بعد از طلاق عده بر زن مدخوله غیر یائسه واجب است.

سؤال 843- امروزه از نظر پزشکی امکانات آزمایشگاهی و تجهیزاتی نظیر سونوگرافی وجود دارد که در کوتاهترین زمان می‌توان بطور قطع، یقین حاصل نمود که زنی در اثر همبستری و نزدیکی باردارشده، یا خیر؟ حال با چنین فرضی، آیا مدت عده طلاق همان است که قبلاً در احکام آورده شده، یا قابل تغییر است؟

جواب: همان گونه که قبلاً اشاره شد عده تنها مربوط به مسأله بارداری نیست، بلکه در واقع حریم زوجیت است؛ لذا اگر زنی چند سال از شوهرش دور باشد سپس او را طلاق دهد، باید عده نگه دارد. (احکام بانوان، ص 226)

نکته؛ استعمال علت، دلیل و حکمت به جای هم

گاهی علت، دلیل و حکمت را به جای یکدیگر استعمال می‌کنند به همین جهت، باید از سیاق عبارت و قرائن دیگر، دانست که مراد نویسنده یا گوینده از عبارت «علت؛ دلیل؛ حکمت»؛ و «حکمت؛ دلیل؛ حکمت» در کلامش کدام معناست.

حکمت‌های گوناگون عقاید و احکام

عقاید و اعمالی که شرع مقدس، مردم را به آنها دعوت کرده، مصالح و حکمت‌های دنیوی و اخروی فراوانی دارد.

برخی از حکمت‌ها در قرآن کریم یا روایات - به حسب درک و فهم مخاطب روایت - ذکر شده است.

مثلاً قرآن کریم با یک عبارت کوتاه و بسیار پر معنا پاسخ بسیاری از سؤالات را در زمینه مسأله قصاص بازگو می‌کند و می‌فرماید: ای خردمندان! قصاص برای شما مایه حیات و زندگی است، باشد که تقوا پیشه کنید. «وَلَكُمْ فِي الْقِصَاصِ حَيَاةٌ يَا أُولِي الْأَلْبَابِ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ" (بقره/179)

این آیه در نهایت فصاحت و بلاغت به خوبی نشان می‌دهد: قصاص اسلامی به هیچ وجه جنبه انتقام جوئی ندارد بلکه دریچه‌ای است به سوی حیات و زندگی انسان‌ها.

چرا که از یکسو ضامن حیات جامعه است؛ زیرا اگر حکم قصاص به هیچ وجه وجود نداشت و افراد سنگدل احساس امنیت می‌کردند جان مردم بی‌گناه به خطر می‌افتاد، همان گونه که در کشورهایی که حکم قصاص به کلی لغو شده آمار قتل و جنایت به سرعت بالا رفته است.

و از سوی دیگر، مایه حیات قاتل است؛ چرا که او را از فکر آدم‌کشی تا حد زیادی باز می‌دارد و کنترل می‌کند.

و از سوی سوم، به خاطر لزوم تساوی و برابری، جلوی قتل‌های پی در پی را می‌گیرد و به سنت‌های جاهلی که گاه یک قتل، مایه چند قتل و آن نیز به نوبه خود مایه قتل‌های بیشتری می‌شد، پایان می‌دهد، و از این راه نیز مایه حیات جامعه است.

و با توجه به این که حکم قصاص، مشروط به عدم عفو است نیز دریچه دیگری به حیات و زندگی گشوده می‌شود. جمله «لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ"؛ که هشدار است برای پرهیز از هر گونه تعدی و تجاوز، این حکم حکیمانه اسلامی را تکمیل می‌کند. (تفسیر نمونه، ج 1، ص 684)

یا مثلاً حضرت زهرا (س) درباره فلسفه و حکمت حج می‌فرماید: «فَرَضَ اللَّهُ ... الْحَجَّ تَشْيِيداً لِلدِّينِ؛ خداوند حج را سبب قدرت و قوت دین اسلام قرار داده است" (احتجاج طبرسی، ج 1 ص 258) و مفهومش این است که مسلمانان باید مراسم حج را آنچنان با شکوه برگزار کنند که به این هدف والا برسند، نه اینکه تنها به آداب صوری حج و تشریفات ظاهری آن قناعت کنند.

برخی از حکمت‌ها را عقل می‌تواند بفهمد. مثلاً عقل می‌فهمد که ربا، قمار، دزدی و رشوه، مخرب نظام اقتصادی یک مجموعه است.

برخی از حکمت‌ها با علوم تجربی یا تجربه‌های شخصی یا جمعی و یا به وسیله تاریخ مشخص می‌شوند.

مثلاً برخی از دانشمندان علوم تجربی گفته‌اند: حکمت حرام بودن گوشت خوک در اسلام، این است که گوشت خوک دارای دو نوع انگل خطرناک به نام کرم «تریشین" و یک نوع «کرم کدو" است و تنها کرم «تریشین" کافی است که در یکماه 15 هزار تخم ریزی کند و در انسان سبب پیدایش امراض گوناگونی مانند کم خونی، سرگیجه، تبهای مخصوص اسهال، دردهای رماتیسمی، کشش اعصاب، خارش داخل بدن، تراکم پیه‌ها، کوفتگی و خستگی، سختی عمل جوییدن و بلعیدن غذا و تنفس و غیره شود.

آسیب‌شناسی حکمت‌ها

حکمت‌های غیر یقینی از جمله حکمت‌هایی که به وسیله علوم تجربی به دست می‌آید، امکان دارد روزی نفی و رد شود از این رو نباید حکمت‌های عقاید و اعمال شرعی را همواره از آن دریچه دید و اعتماد زیادی به آن امور داشت. و چنانکه گفتیم حکمت، جای دلیل و علت را نمی‌گیرد و خلط اینها باعث اشتباهات فراوانی می‌شود. بر همین اساس، دلیل حرمت گوشت خوک، آیه قرآن و روایات است نه کرم یا میکروب.

برای اینکه این مساله و آسیب‌شناسی آن، بهتر روشن شود خوب است به بیان شیوای شهید آیت الله مطهری در این باره توجه کرد.

توضیح جالب شهید مطهری درباره حکمت‌ها و ادله احکام

ایشان می‌گویند: یکی از سؤالاتی که من خودم با آن خیلی مواجه شده‌ام (و از جمله در سفری که اخیراً به مناسبت جشنی که در نیمه شعبان در دانشکده کشاورزی اهواز ترتیب داده شده بود و دو جلسه پرسش و پاسخ تشکیل داده بودند، مطرح شد و بنده هم مکرر این سؤال را شنیده‌ام) راجع به حرمت گوشت خوک است.

این‌طور سؤال می‌کردند که گوشت خوک حرام است و البته خیلی دستور حکیمانه‌ای بوده است. در آن زمان مردم گوشت خوک را نمی‌شناختند و آن میکروبی که در آن وجود داشت- که آن را #171;تریشین» می‌گویند- عوارض بسیاری برای خورنده به وجود می‌آورد. در آن زمان بشر نه آن میکروب را می‌شناخت و نه وسیله‌ای داشت که آن را از بین ببرد، ولی پیغمبر با نور وحی و نبوت این حقیقت را دریافته بود. خدا به پیغمبر دستور داد که به مردم بگو از خوردن گوشت خوک خودداری کنند.

حرام بودن گوشت خوک به واسطه همین میکروبی است که در بدن خوک وجود دارد. ولی امروز به واسطه پیشرفتهای عظیم علمی کشف شده است که ضرر این گوشت از چیست و راه از میان بردن آن هم کشف شده است و به وسایل مختلفی آن میکروب را از بین می‌برند. بنابراین، آن دلیلی که برای حرمت گوشت خوک وجود داشته است امروز دیگر وجود ندارد. پس امروز ما اگر گوشت خوک را بخوریم برخلاف دستور اسلام رفتار نکرده‌ایم.

اگر خود پیغمبر هم امروز باشد و از او سؤال کنیم که با وسایلی که جدیداً پیدا شده است باز هم گوشت خوک را نخوریم؟ لابد خواهد گفت که نه دیگر، حالا می‌توانید بخورید. آن روز که ما گفتیم، وسایلی برای از بین بردن این میکروب نبود و حالا که هست دیگر مانعی ندارد.

بنده آنجا گفتم که بعضی از مقدمات این حرف درست است ولی بعضی دیگر از مقدماتش ناقص است.

این مطلب که شما می‌گویید هر حکم که در اسلام هست دلیلی دارد، راست است. این را علمای اسلام به این ترتیب بیان می‌کنند که در هر دستوری از دستورات اسلام حکمت یا حکمت‌هایی نهفته است و به تعبیری که علمای فقه و اصول استعمال می‌کنند احکام تابع یک سلسله مصالح و مفاسد واقعی است؛ یعنی اگر اسلام چیزی را حرام کرده است چون مفسده‌ای وجود داشته است حرام کرده، خواه مفسده جسمی باشد خواه روحی، خواه به زندگی فردی بستگی داشته باشد خواه به زندگی اجتماعی، در هر حال یک ضرری در آن بوده است که حرام شده است. یعنی تحریم تعبدی به این معنی که بدون دلیل یک چیزی حرام شده باشد اصلاً وجود ندارد، و هیچ عالمی از علمای شیعه چنین حرفی نمی‌زند....

پس این مطلب که شما گفتید اگر در دین اسلام یک چیزی حرام شده است دلیلی داشته، حرف درستی است. این را من هم قبول دارم. مثلاً اینکه گوشت سگ حرام است یا سگ نجس است، بدون دلیل نیست. حتماً در سگ یک چیزی وجود دارد که برای انسان ضرر دارد. البته در صدر اسلام هنوز این حرف‌هایی که الآن می‌زنند وجود نداشت.

ولی یک مطلب دیگر هست و آن اینکه فرض کنیم عالمی یا مجتهدی پیدا بشود که برایش یقین بشود که اسلام که گفته است گوشت خوک حرام است منحصر به خاطر همین میکروبی است که امروز کشف شده است. او فتوا خواهد داد: پس حالا دیگر گوشت خوک حلال است. ولی ما قبول نخواهیم کرد.

مجتهد باید پخته باشد. ممکن است برای چیزی که حرام شده است دهها خطر وجود داشته باشد و امروز علم یکی از آنها را کشف کرده و مابقی هنوز مانده باشد.

شما می‌بینید مثلاً علم، پنی سیلین را کشف و آثارش را بیان می‌کند و تمام مردم به آن روی می‌آورند. بعد از چند سال متوجه می‌شوند که ضررهایی هم دارد و لااقل برای همه مریض‌ها تجویز نمی‌کنند.

علم گوشه‌ای را کشف می‌کند و گوشه دیگر برایش پنهان می‌ماند. حالا برای یک نفر مجتهد کی یقین پیدا می‌شود که علت اینکه اسلام گفته است گوشت خوک حرام است منحصر به همین میکروبی است که علم کشف کرده است؟! اگر بگویند، عجله به خرج داده است و باید از او سؤال کرد آیا شما یقین دارید که بیست سال دیگر چیز جدیدی کشف نشود؟

مثلاً ممکن است خصایص بعضی از حیوانات در گوشتشان وجود داشته باشد، به طوری که خورنده آن گوشت آن خصایص را بگیرد. از جمله صفات خوک این است که خیلی کثیف است. در حدیث است که یکی از خصایص روحی این حیوان این است که [غیرت ندارد و خوردن گوشت او] غیرت را از بین می‌برد.... وقتی از امام رضا علیه‌السلام راجع به حرمت گوشت خوک سؤال می‌کنند می‌فرماید: #171;لَا تَهْبُ الْغَيْرَةُ»؛ برای اینکه غیرت را از بین می‌برد. بعد در آنجا گفتیم این حالتی که شما الآن در اروپا می‌بینید، اثر گوشت خوک است که حاصلش را بروز داده است.

پس این نپختگی است که وقتی انسان یک فلسفه‌ای را درباره احکام پیدا کرد بگوید هرچه هست همین است.

مثلاً در باب مشروب یک کسی بگوید علت اینکه مشروب حرام است این است که برای کبد و قلب مضر است ولی تجربیات نشان

داده است که اگر کسی به مقدار کم مصرف کند نه فقط مضر نیست بلکه نافع است، پس شراب کمش حلال و زیادش حرام است. این هم باز دستپاچگی دیگری است. نه، انسان باید در این جور مسائل سرعت به خرج ندهد.

بعضی از افراد در قدیم می‌گفتند علت حرمت شراب زایل کردن عقل است و ما یک طبیعتی داریم که در ما شراب ایجاد سکر و مستی نمی‌کند، پس شراب بر ما حلال و بر دیگران حرام است. نه، این جور نیست.

اولاً ممکن است هزاران دلیل برای حرمت شراب وجود داشته باشد که ما هنوز به آنها نرسیده‌ایم. ثانیاً یک شیء حرام ولو اینکه یک ذره‌اش آن خاصیت ضرری را نداشته باشد ولی باید آن را به طور دربست حرام کرد که مردم اصلاً به سوی آن نروند. (مجموعه آثار استاد شهید مطهری، ج 21، ص 71)

فوائد بحث از فلسفه عقاید و احکام

اگر گفته شود همه ما می‌دانیم که هیچ یک از کارهای خداوند دانا و حکیم در عالم تکوین (جهان خلقت) و عالم تشریع (دین) بی‌حساب نیست و قطعاً احکام و قوانین او بر محور مصالح و مفاسد دور می‌زند. بنابراین چه لزومی دارد که به سراغ فلسفه احکام برویم؟ آیا همین مقدار آگاهی اجمالی- که هیچ حکمی بی حکمت نیست- برای ما کافی نیست؟

در پاسخ می‌گوییم علم تفصیلی و مشروح نسبت به فلسفه احکام فوایدی دارد که در علم اجمالی، حاصل نمی‌شود. چرا که وقتی انسان به مصالح یک تکلیف واجب پی ببرد یا از مفسده یک تکلیف حرام آگاه شد، به یقین انگیزه قوی تری برای انجام آن تکلیف و ترک این حرام پیدا می‌کند.

همچنانکه طبیبان آگاه، بیماران خود را از آثار مهم داروهای شفا بخش و غذاهای تقویتی که درمان بیماری‌ها را تسریع می‌کند در حد فهم بیمار- با خبر می‌سازند؛ تا با شوق و علاقه بیشتر داروهای تلخ را تحمل کنند و دستورات طبیب را دقیقاً بکار بگیرند. طبیبان روحانی (انبیاء و امامان) نیز فلسفه تشریع احکام و آثار حیات بخش برنامه‌های دینی را برای مردم - در حد فهم مردم و مخاطبشان - شرح می‌دهند تا آتش اشتیاق را در دل آنها شعله‌ور سازند و با عزمی راسخ به دنبال انجام برنامه‌ها بفرستند.

بیان فلسفه عقاید و احکام، علاوه بر اینکه شوق و علاقه مردم را برای انجام وظائف دینی افزون می‌کند و تحمل ناراحتی و سختی را برای انجام پاره‌ای از وظایف سخت و سنگین آسان می‌سازد، چند فایده دیگر نیز دارد:

1. به همه مردم توجه می‌دهد که باید در چه مسیری حرکت کنند تا فلسفه حکم پیاده شود.

2. توجه می‌دهد که بدانیم آثار و برکات این اعمال به خودمان بر می‌گردد. در واقع ما با انجام این اعمال، به خود خدمت می‌کنیم؛ متنی بر خدا نداریم و باید بسیار ممنون باشیم.

3. می‌توانیم با توجه به فلسفه احکام اعمال خود را ارزیابی کنیم، که تا چه اندازه مقبول درگاه خداوند است و چه اندازه از آن دور است.

مثلاً وقتی می‌فرماید: [#171«فلسفه روزه، تقوا و فلسفه نماز، دوری از گناهان آشکار و پنهان است](#)؛ باید ملاحظه کنیم که آیا بعد از انجام روزه و نماز، روح تقوا و پرهیز از گناه در ما حاصل شده است یا نه؟ و به این ترتیب، ارزش عبادات و اعمال خود را به دست آوریم. (دائرة المعارف فقه مقارن، ص 394؛ پیام امام امیرالمؤمنین علیه السلام، ج 4، ص 630)

4. کتاب مقدس دین اسلام یعنی قرآن کریم از زوایای گوناگونی معجزه است که یکی از آن زاویه‌ها، زاویه علمی و واقع بینی آیات وحی است. زیرا قرآن کریم در زمانی انسان را به ارزشها فراخوانده و حلالها و حرامها و قوانین مدنی و اجتماعی را برای ایشان بازگفته که دانش محدود بشر به او اجازه دریافت ضرورت و اهمیت آن فرمانها را نمی‌داده است و امروز در پرتو شناخته‌های تجربی و علمی، فلسفه بسیاری از آن احکام روشن شده و آشکارتر نیز خواهد شد.

از شماره بعدی به صورت سلسله‌وار به برخی از حکمت‌ها از منظر قرآن، روایات و عقل - مانند فلسفه بلاها و مصیبت‌ها، فلسفه وجود شیطان، فلسفه رجعت، فلسفه نبوت، فلسفه امامت، فلسفه تقیه، فلسفه تحریم ربا، فلسفه ازدواج، فلسفه نماز، فلسفه روزه، فلسفه خمس، فلسفه نگهداری عده، فلسفه دعا، فلسفه حجاب، فلسفه جهاد، فلسفه تحریم زنا، فلسفه نماز جمعه و - خواهیم پرداخت.

نویسنده: حجت‌الاسلام وحید واحدجوان، مدرس دانشگاه تهران